

آرمانشهر اسلام: شهر عدالت^(۱)

دکتر بهناز امین زاده.

استادیار دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران

دکتر محمد نقی زاده

رئیس بخش تحقیقات مهندسی مشاور پارت

پیشگفتار:

از دیرباز، بسیاری از متفکرین و مصلحین در پی ایجاد و شناسایی مختصات محیطی برای زندگی انسان بوده اند که در صورت شکل گیری محیط بر پایه آن ها دسترسی به کمال مورد نظر و یا به عبارتی تحصیل اهداف حیات را محقق و یا تسهیل نمایند. این مختصات در قالب جهان بینی و اهداف حیات انسان، گاه به طور عام و به صورت دستورالعمل هایی برای زندگی و چگونگی تنظیم روابط اجتماعی، ارتباط انسان با طبیعت و یا ساخته هایشان ارایه شده اند؛ گاهی نیز در قالب ایده کلی و الگوی عمومی شهر ایده آل با نام هایی هم چون مدینه فاضله، آرمانشهر، ناکجا آباد، یوتوپیا و امثال آن از سوی کسانی چون افلاطون، فارابی، ابن باجه، سهروردی، تامس مور، آگوستین و دیگران مطرح گردیده اند. در قرون متأخر نیز افرادی چون مارکس، پرودن، هاوارد، و حتی از میان مدرنیست ها کسانی چون لوکربوزیه و لینچ به الگوهایی برای شهر ایده آل اشاره نموده اند.

در دهه های اخیر نیز در پی ایجاد محیط و فضایی مناسب، آرایه در زمینه لزوم مشارکت مردم و تأسیس بنگاه های غیر دولتی (NGO) و نیز نظریاتی، در رابطه با شهر سالم، توسعه پایدار، و اکوسیستی با تأکید بر تجدید نظر در بهره گیری از منابع طبیعی در پی یافتن اصول و مختصات شهر و محیط زندگی ارایه شده است.

علاوه بر کسانی که صراحتاً به ارایه الگو و بیان ویژگی های مدینه فاضله پرداخته اند، در بررسی و مطالعه آثار بسیاری از اندیشمندان، متفکران و فلاسفه نیز می توان ضمن شناسایی ویژگی های لازم برای حیات مطلوب، مختصات محیط زندگی مناسب و یا به عبارتی مدینه فاضله را استخراج نمود. کسانی چون

چکیده:

ویژگی ها و مختصات شهر آرمانی یا مدینه فاضله که با تعابیری چون آرمانشهر، ناکجا آباد، یوتوپیا، و هیچستان در آرا و نظریات مختلف به کار گرفته شده است، از دو طریق قابل پی جویی است. یکی، از مطالعه آثار آنان که به طور مستقیم از مدینه فاضله و محیط زندگی آرمانی انسان سخن گفته اند، و دیگر، از بررسی و غور در آثاری که اصول و ویژگی هایی برای مثنی و زندگی انسان تبیین نموده و به کار بستن آن ها را ضامن سعادت انسان شمرده و به لحاظ تأثیر آن ها بر فضای زیست، به طریقی دیگر، متضمن تفسیر و معرفی شهر آرمانی است.

این نوشتار مقدمه ای است بر شناخت خصوصیات و ویژگی های آرمانشهر اسلامی، با این اعتقاد که تفکر و تعالیم اسلامی به عنوان الگوی کامل نمی توانسته نسبت به روابط اجتماعی انسان، ارتباط انسان با محیط و نیز نسبت به چگونگی فعالیت ها و فضاهای فردی و جمعی بی تفاوت بماند و اگر نه به صورت مستقیم، به عنوان برنامه زندگی برای انسان دستوراتش بر معماری، شهر و محیط زندگی مسلمین تأثیر گذار است.

ارسطو، هگل، مارکس، کانت، برتراند راسل، ویل دورانت، ابن خلدون، خواجه نصیر طوسی، امام محمد غزالی، سهروردی، و بسیاری از متفکران مسلمان و غیرمسلمان به ویژگی های اجتماع و محیط ایده آل و آرمانی حیات انسان اشاره داشته اند، که چون بیان (حتی) اجمالی آن ها به اطاله کلام می انجامد از ذکر آن احتراز می شود.

اما در صدر فهرست کسانی که به تبیین جامعه آرمانی بشر پرداخته اند، نام انبیای الهی و برتارک آن ها نام آخرین فرستاده او، نبی مکرم اسلام (ص) می درخشند. تفاوت اصلی تعالیم و حیاتی پیامبران الهی با مصلحین و حکما در این است که پیامبران اولاً هدف اصلی را بر سعادت حقیقی و اخروی بشر نهاده اند، ثانیاً، پیروانشان از وصول به مدینه فاضله در صورت رعایت تعالیشان اعتماد و اطمینان کامل دارند. از سخنان و همچنین تاریخ به یادگار مانده از امام علی (ع) نیز بسیاری از ویژگی های بارز مدینه فاضله، شهر آرمانی اسلام، محیط و فضای مناسبی که تعالیم اسلامی برای انسان تصویر می نماید قابل استنتاج است. ویژگی هایی که علاوه بر تبیین اصول اخلاقی، رفتار و حقوق متقابل آحاد جامعه با یکدیگر، بیانگر مبانی فکری و جهان بینی اسلامی و در نتیجه مبین چگونگی مشی و روش زیست انسان است. بنابراین برای شناسایی مدینه فاضله در تفکر اسلامی، گذشته از تعالیم قرآنی، سخنان و مشی امیر مؤمنان علی (ع) نیز مشحون از موضوعاتی است که می تواند به نحوی به عنوان ویژگی شهر آرمانی اسلام مطرح شود. امام علی (ع) به عنوان امام و خلیفه و خواستار سعادت و رستگاری انسان، و ویژگی هایی را برای جامعه مطلوب مطرح می فرماید که در رأس آن عدل قرار دارد. این اصل، نه تنها بر تنظیم روابط اجتماعی، که بر شکل گیری محیط نیز تأثیر بسیاری خواهد داشت.

عدالت از دیدگاه های مختلف به عنوان منشأ و مبنای ایجاد محیط مطلوب و عاملی مهم در تعریف شهری ایده آل مورد نظر بوده است. افلاطون با نگارش کتاب جمهوری در ۲۳۰۰ سال قبل، با توصیه سپردن اداره شهر به فیلسوفان، عدالت را برای جامعه نوید داده است. (۲) سنت آگوستین نیز در قرن چهارم پس از میلاد، مختصات مدینه فاضله خود را در کتابی با عنوان شهر خدا بیان نموده است. آگوستین به دو صفت صلح و عدل به عنوان بارزترین صفت شهر مورد نظر خویش اشاره می کند. در قرن شانزدهم میلادی یکی از سیاستمداران انگلیسی به نام تامس مور، مدینه فاضله خود را در کتابی به نام یوتوپیا معرفی نموده است. (۳) او نیز به منظور امحاء تبعیضات و مظالم از جوامع بشری، یوتوپیا

خویش را مطرح می نماید.

متفکران اجتماعی نیمه دوم قرن نوزدهم نیز به سبب مشاهده نابسامانی ها و مشکلات جامعه صنعتی، هریک محیط ایده آل خود را با تأکید بر از بین بردن تبعیضات و ظلمی که بر انسان جامعه صنعتی می شد به تصویر کشیدند، از جمله آن ها می توان به آونن، کارل لایل، راسکین، موریس، فوریه، کابه، و پرودن اشاره نمود. به عنوان مثال اتین کابه - جامعه شناس فرانسوی - نابرابری و تبعیض را عامل مشکلات موجود و برابری را ویژگی شهر تخیلی خویش و رافع مشکلات موجود و باعث ظهور مدینه فاضله اش - ایکاری - می داند. (۴) مشکلات قرن نوزدهم به گونه ای است که حتی دسترسی به هوا، نور و آب نیز مشکل است. به نحوی که پرودن را بر آن می دارد تا توصیه کند: لازم است که فرانسه را به باغی بزرگ و آمیخته به بیشه ها تبدیل کنیم. هوا، نور و آب باید بین همگان عادلانه توزیع شود. (۵) طی این دوران، بسیاری افراد به ذکر شهری پرداختند که در آن از تبعیضات و مشکلات شهرهای بزرگ صنعتی خبری نباشد و عدالت و برابری را از طریق نظم کالبدی (Uniformity) حاکم بر شهرهای پیشنهادی خویش جستجو می نمودند. از جمله، به مجموعه کار - زندگی (فالانستر) فوریه و الگوی ارایه شده توسط فرانک لویدرایت (برود - ایکر سیتی) آن گونه که در کتاب شهر ناپیدا وصف شده می توان اشاره نمود. کنگره بین المللی معماری مدرن (CIAM) که یکی از معروفترین منابع حاوی مبانی نظری معماری و شهرسازی قرن بیستم بوده است و سالیان دراز هدایت تفکر مدرنیسم را عهده دار شده و بر محافل حرفه ای و دانشگاهی سایه افکننده بود، نیز شعار عدالت را به شیوه خاص خود مطرح می نماید. (۶)

عدالت و جهانیابی:

جملگی آراء و نظریات جوامع و فرهنگ های مختلف در مورد عدل و دادگستری منوط و منبعث از جهانیابی آن هاست. از این رو فرهنگ تفاوت های ماهوی در معنا و مفهوم عدالت، نزد جوامع مختلف وجود دارد. عدل در لغت به معنای مقابل ستم، امری بین افرات و تفریط، مرد صالح، حق، راست، توازن، استقامت، میانه روی، قصد، میزان و ... (۷) آمده است. با عنایت به مشتقات آن در زبان عربی که در فارسی هم متداول هستند همچون تعادل، تعدیل، متعادل، معادل و امثال آن اهمیت آن در جملگی مقولات مربوط به عالم وجود و فعالیت های انسان روشن می شود. مروری اجمالی بر تاریخ نشان می دهد که اصل عدل با هر معنی

۲- رجوع کنید به: فاستر، مایکل ب: خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه جواد شیخ الاسلامی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳
 ۳- رجوع کنید به: مور، تامس: آرمانشهر (یوتوپیا)، ترجمه داریوش آشوری و نادر افشاری، خوارزمی، تهران، ۱۳۷۳
 ۴- رجوع کنید به: کابه، اتین: سفر به آرمانشهر (ایکاری)، ترجمه محمد قاضی، انتشارات تهران، تهران، ۱۳۷۲
 ۵- شوائی، فرانسواز: (ترجمه حبیبی، سید محسن)، شهرسازی، تخیلات و واقعیات، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۳
 ۶- لوکوربوزیه: منشور آتن، ترجمه محمد منصور فلامکی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۵
 ۷- دهخدا، علی اکبر: لغتنامه دهخدا، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷

و مرادی که جامعه از آن توقع داشته، همواره یکی از اهداف بشریت بوده است. جملگی نظریاتی که، متعاقباً به عنوان نمونه، در مورد اهمیت و ارزش عدل در نزد جوامع و فرهنگ های گوناگون ذکر خواهد شد، بیانگر این واقعیت است که علاقه، تمایل و گرایش انسان به عدل، امری فطری است که در وجود انسان نهفته بوده و هماهنگ با اجزاء و کل عالم وجود است. انسان نیز تمایل به سمت عدالت داشته، اخلال در تعادل موجود در عالم را نادرست می شمارد. عدل و عدالت در تفکرات بشری و در شکل گیری آراء و عقاید جوامع و اداره آن ها نقشی بنیادین ایفا نموده است که به چند نمونه از آن ها اشاره می شود.

میترا همان خدای روشنایی است که در هند به خورشید تشبیه شده است. نظیر او را الهه هیلوس در حماسه هومر می بینیم که در جهان می گردد و انتقام ظلم ستمکار را از ستم دیده می کشد و راستی (و عدالت) را دوباره در کائنات مستقر می کند.^(۸)

چینیان که پادشاه را دارای قیومیت بر زمین می دانستند معتقد بودند: جباری که در قلمرو خود به بدی حکومت می کرد و دارای صفات عدالت، نیکوکاری و صمیمیت نبود از قیومیت آسمان محروم می شد.^(۹) هم چنین در آراء چینیان آمده است که: فرمانروا وقتی استحقاق و فاداری را خواهد داشت که به عدالت، نیکوکاری و صمیمیت رفتار کند.^(۱۰)

کنفوسیوس به شاهزاده کی کانگ در باره حکومت می گوید: حکمرانی کردن یعنی همه چیز را به درستی به جا آوردن. اگر شما از روی حق و عدالت حکمرانی نکنید دیگر چه احتیاجی به کشتن و دازدن می ماند.^(۱۱) کنفوسیوس همچنین معتقد است که مردم آزاده پایه بنا را در روی آن چه حق است می گذارد، و آداب و رسوم را از آن رو سرمشق خود قرار می دهد تا آن چه را حق است به جا بیاورد. وی در مقصود و نیت خود اعتدال پرور است.^(۱۲)

افلاطون، در مورد عدل می گوید ما جامعه خود را به این منظور تاسیس نکرده ایم که طبقه ای را نیکبخت تر از طبقات دیگر کنیم، بلکه هدف ما نیکبختی تمام جامعه است و معتقدیم که عدالت را تنها در چنین جامعه ای می توان یافت، هم چنان که ظلم در جامعه ای حکم می راند که به وضعی ناپسند اداره شود.^(۱۳)

عدالت در اسلام:

اگرچه جمله معروف افلاطون «عدالت مادر همه فضایل اخلاقی است» پس از ترجمه آثار یونانی در جهان اسلام مطرح شد، لکن باید توجه داشت که زمینه این اشتها و اصولاً ایمان و اعتقاد به

عدل و توجه به آن به عنوان یکی از اساسی ترین اصول حیات، حدود دو قرن قبل از آن توسط قرآن کریم در جامعه اسلامی بوجود آمده بود. در تفکر اسلامی، عدل به عنوان یکی از صفات بارز فعل الهی مطرح است. چنان چه فرموده خداوند که: ان ربی علی صراط مستقیم،^(۱۴) نیز به معنی این است که پیغمبر (ص) می فرماید که به درستی پروردگار من بر صراط مستقیم است. یعنی در همه صفات، کردار، گفتار، قضا و قدر و مشیت بر طریقه عدل و عدالت است و از افراط، تفریط، جور و اعتساف، منزه و بری است.^(۱۵)

یکی از ادله اصلی اهمیت عدل در تفکر و حیات اسلامی، زندگی و مشی انسان نیز به همین دلیل است. در واقع از آن جایی که انسان به عنوان خلیفه و جانشین خداوند در زمین گماشته شده است، شرط این خلافت و جانشینی عبارت از اتصاف فعل و عمل خلیفه (انسان) به صفات فعل الهی است.

مبانی و ریشه اصلی موضوعات و مباحث مربوط به عدل را در اصلی ترین منبع تعالیم اسلام یعنی قرآن مجید باید جستجو کرد. زیرا قرآن است که بذر اندیشه عدل را در دل ها کاشت و آبیاری کرد و دغدغه آن را چه از نظر فکری و فلسفی و چه از نظر علمی و اجتماعی در روح ها ایجاد کرد.^(۱۶) با عنایت به انواع عدل مطرح شده در تعالیم قرآنی یعنی عدل تکوینی، عدل تشریحی، عدل اخلاقی و عدل اجتماعی می توان به این اصل اساسی دست یافت که پایه و اساس جهانی قرآنی را عدل تشکیل می دهد. به بیان دیگر اصل عدل جهت جهانی اسلامی را که در واقع نگرش مسلمین به هستی و آفرینش است، تعیین می نماید. و به مثابه آرمانی انسانی در جامعه اسلامی ظهور می یابد که وظیفه و مسئولیت مسلمین بر پایه آن استوار است. آیاتی از قبیل: همانا ما پیامبران خود را با ادله و معجزات (به خلق) فرستادیم و برایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گریند.^(۱۷) و بگوای رسول ما، پروردگار من شما را به عدل و درستی امر کرده:^(۱۸) مبین و مؤید اهمیت عدل در مقولات و مفاهیم گوناگون هستند.

مداقه در محل مورد انتظار و مکان تجلی برای عدل نشان می دهد که محل استعمال عدل و عدالت، همیشه باید که دو یا بیشتر و مشترک مابین جمعی باشد و هر کجا که جمعیت بیشتر است، لزوم و وجوب عدل و عدالت در آن جا بیشتر و شدیدتر است.^(۱۹) از طرف دیگر بعد از خداوند در عالم مخلوقات و مملکت او، هر مخلوقی که به وحدت قریب تر است، صفت عدل و عدالت او بیشتر باشد.^(۲۰) ملاحظه می شود که عدل و وحدت جامعه با یکدیگر نسبت مستقیم دارد به گونه ای که هر چه عدل در جامعه ای

- ۸- ورمازرن، مارتن: آیین میترا، ترجمه بزرگ نادرزاده، نشر چشمه، تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۷
- ۹- جرالدفیتز: تاریخ فرهنگ چین، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۶۷، ص ۶۱
- ۱۰- همان، ص ۹۲
- ۱۱- کنفوسیوس: مکالمات، ترجمه حسین کاظم زاده ایرانشهر، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۵۷، ص ۹۷
- ۱۲- همان، ص ۴۹
- ۱۳- افلاطون، پیشین (۱)، ص ۱۷۶
- ۱۴- سوره هود، آیه ۵۶
- ۱۵- دارابی کشفی، سید جعفر: میزان الملوک و الطوائف و صراط المستقیم فی سلوک الخلائف، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، قم، ۱۳۷۵، ص ۴۲
- ۱۶- مطهری، شهید مرتضی: عدل الهی، صدر آ ق م، ۱۳۵۷، ص ۳۵
- ۱۷- تقد ارسالنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط قرآن کریم، حدید آیه ۲۵
- ۱۸- قل امر ربی بالقسط قرآن کریم، اعراف: آیه ۲۹
- ۱۹- دارابی کشفی، پیشین (۱۵)، ص ۴۲
- ۲۰- همان، ص ۴۶

گسترش و شیوع بیشتری یابد و وحدت جامعه تقویت خواهد شد و هر چه که وحدت جامعه قویتر شود امکان بروز عدالت فراهم تر خواهد شد. شهید مطهری می فرماید: اگر مجموعه ای را در نظر بگیریم که در آن اجزاء و ابعاد مختلفی به کار رفته است و هدف خاصی از آن منظور است، باید شرایط معینی در آن از حیث مقدار لازم هر جزء و از لحاظ کیفیت ارتباط اجزاء با یکدیگر رعایت شود و تنها در این صورت است که آن مجموعه می تواند باقی بماند و اثر مطلوب خود را بگذارد و نقش منظور را ایفا نماید. (۲۱) و این در واقع همان حدیث نبوی است که می فرماید: بالعدل قامت السموات والارض. (همانا آسمان و زمین به موجب عدل برپاست). (۲۲)

علاوه بر آن چه که در باب اهمیت عدل و عدالت الهی در قرآن مجید آمده است، سخنان امام علی بن ابیطالب (ع) به عنوان قرآن ناطق نیز به موضوع عدالت الهی تأکیدی ویژه دارد. از نظر امام علی (ع) خداوند تبارک و تعالی در عین حالی که بر آفریدگان خویش تسلط دارد، چیزی جز عدالت را در قضایش نمی توان دید. زیرا اوست که بر آفریدگان خود توانایی دارد، و عدلش در هر چه قضایش بر آن جاری گردد، نمایان است (۲۳). امام علی (ع) عدل را به عنوان یکی از صفات خداوند تبارک و تعالی معرفی نموده و می فرماید خداوندی که بردباریش بسیار است و می گذرد، آگاه است. (۲۴) در همین راستاست که می توان با استناد به کلام مولا، عدل را به عنوان معیار اصلی اداره جامعه اسلامی نیز معرفی کرد. معیاری که در صورت باور به آن و به اهتمام به تجلی بخشیدنش، می تواند ضامن برقراری و تجلی سایر اصول و ارزش های اسلامی نیز باشد. امام علی (ع) در نامه معروف خویش به مالک اشتر می فرماید: باید که محبوبترین کارها در نزد تو، کارهایی باشد که در میانه روی سازگارتر بود و با عدالت دمسازتر. (۲۵) و باید که بهترین مایه شادمانی والیان برپای داشتن عدالت در بلاد باشد و پدید آمدن دوستی در میان افراد رعیت. (۲۶)

در تشریح بیشتر مفهوم عدل، امام علی (ع) شعبات آن را بیان فرموده و با ذکر اهمیت هریک روند تحصیل سعادت اخروی و دنیوی را معلوم می نماید. عدالت را چهار شعبه است: فهمی که به عمق چیزها رسد و علمی که حقایق را دریابد و داوری کردنی نیکو و راسخ بودن در بردباری. (۲۷) و در جای دیگر می فرماید عدل، نگاهدارنده همگان است. (۲۸)

در بیان اهمیت رعایت عدل از سوی والیان همچنین می فرماید: علیکم بالاحسان الی العباد و العدل فی البلاد تامنوا عند قیام الاشهاد:

بر شما باد احسان کردن به بندگان و عدالت در شهرها (ممکن است خطاب به حکام قضات باشد چنان که امکان دارد خطاب به همه مردم شود) تا در نزد ایستادن حاضران (در قیامت یا برخواستن گواهان ائمه طاهرین - علیهم السلام - و یا مطلق گواهان) ایمن گردد. (۲۹)

یکی از مهمترین پیامدهای ترک عدل از نظر مولی الموحدین (ع) گرایش به سمت ستم است. چنان چه می فرماید: هر که عدالت را رها کرد، به جور و ستم گراید. (۳۰) در واقع ترک عدالت و در پیش گرفتن ستم، زمینه ساز و مبنای اعمال ناپسند و ناروایی خواهند شد که جامعه را به تباهی و اضمحلال می کشد. (۳۱) همان گونه که عدل مصادیقی دارد، ظلم نیز واجد مصادیقی است که یکی از آن ها خودرایی و عدم توجه به مشارکت جامعه است. به رأی خود کار کردن و از دیگران مشورت نخواستن، گونه ای از ستم و خیانت است. (۳۲)

به طور اجمال این که امام (ع) با حیاتی دانستن عدالت هیچ چیز مانند عدل شهرها را آباد نخواهد کرد. (۳۳) می فرماید: العدل حیاه: یعنی عدالت زندگی است (چون وقتی عدالت نباشد مردم مانند مرده هستند). (۳۴) و در مقابل تأکید بر عدل به عنوان عامل آبادی، ستم را عامل ویرانی دانسته و می فرماید: آفة العمران جور السلطان: آفت آبادانی و عمران ستم پادشاه است. (۳۵)

تجلی عدالت در شهر:

مقولات و زمینه های تجلی عدل در اجتماع و روابط مردم با یکدیگر و با محیط، ویژگی های شهر عدل را تبیین می نماید. تذکر این نکته ضروری است که شباهت ظاهری موضوعات با برخی عناوین مطروحه در سایر مکاتب، نشان از فطری بودن توجه انسان به عدل است و تفاوت مهم مختصات این مباحث در تفکر اسلامی با سایر مکاتب در این است، که این موضوع در حیطه جامعیت تفکر دینی مطرح شده که جملگی مقولات زندگی و ساحت های حیات انسان را در بر می گیرد. در صورت خودباوری، اعتقاد، تحقیق، تفحص، پی جویی و شناسایی تأثیر عدل مورد نظر اسلام بر جنبه های مختلف فعالیت های انسان، توان و ظرفیت باورها و جهان بینی و فرهنگ اسلامی و ایرانی در تبیین مبانی نظری معماری و شهر سازی اسلامی، و در احساس هویت و رهایی جامعه از خودبیگانگی مشخص می شود.

هر مجتمع زیستی و شهری را می توان ظاهراً متشکل از اهل آن شهر به انضمام کالبد شهر دانست. عوامل و عناصر دیگری نیز

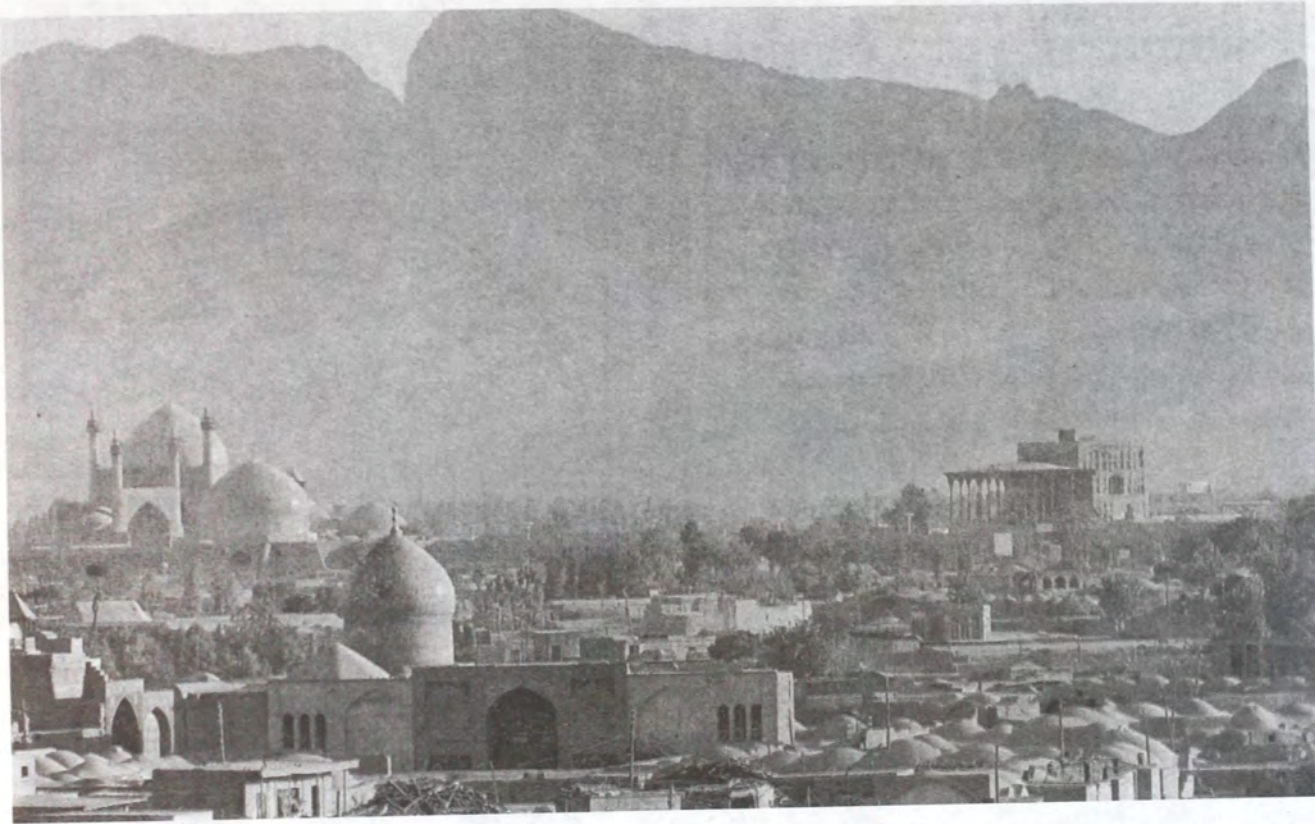
- ۲۱- همان ص ۵۹
- ۲۲- تفسیر صافی ذیل آیه ۷ الرحمن
- ۲۳- امام علی ع: نهج البلاغه (مجموعه خطبه ها، نامه ها و کلمات قصار)، ترجمه عبدالمحمد آیتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۸، خطبه شماره ۲۰۷ صفحه ۴۹۵
- ۲۴- همان، خطبه شماره ۲۳۳ صفحه ۵۶۱
- ۲۵- همان، نامه شماره ۵۳ صفحه ۷۲۳
- ۲۶- همان، نام شماره ۵۳ صفحه ۷۳۱
- ۲۷- همان، سخنان حکمت آمیز شماره ۳۰ صفحه ۸۰۷
- ۲۸- همان، سخنان حکمت آمیز شماره ۴۲۹ صفحه ۱۰۱۷
- ۲۹- امام علی (ع): غرر الحکم، به نقل از هدایه العلم و غرر الحکم (ج ۱)، ترجمه و تألیف سید حسین شیخ الاسلام، انتشارات انصاریان، قم، ۱۳۷۴، ص ۲۸۲
- ۳۰- همان، نامه شماره ۳۱ صفحه ۶۷۹
- ۳۱- عدالت را به کار بند و از ستم و بیداد حذر کن زیرا ستم رعیت را آواره می کند و بیدادگری، شمشیر را فرامی خواند، همان، سخنان حکمت آمیز شماره ۴۶۸ صفحه ۱۰۳۵
- ۳۲- همان، نامه شماره ۵۳ صفحه ۷۳۳
- ۳۳- امام علی (ع): غرر الحکم، پیشین ۲۹ ص ۹۰۰
- ۳۴- همان، ص ۹۰۱
- ۳۵- همان، ص ۱۰۳۲



توجه متعادل به ساحت های حیات:

انسان موجودی است که به تبع ساحت های ثلاثه وجودی خویش که متشکل از روح، نفس و جسم می باشد، نیازهای فیزیولوژیکی، روانی و معنوی دارد. یکی از مهمترین معضلات دوران معاصر و حتی همه ادوار حیات بشر متمرکز بر برخی از این نیازها و غفلت از برخی دیگر بوده است. اگر چه که می توان حیات طیب انسان و اسلامی را حیاتی دانست که جملگی اجزاء آن رنگ و بوی معنویت داشته و همگی در خدمت روحانیت و غایت حیات انسان هستند، لکن در مرحله ای نازلتر از آن می توان از نیازهای مربوط به هر قلمروی از حیات سخن گفت. نیازهایی که غفلت از هر کدام عامل خروج از تعادل و ظهور بی عدالتی و بی نظمی خواهند بود. در واقع غفلت از جنبه معنوی حیات انسان و گرایش یافتن و دادن وی به سمت ساحت مادی زندگی، خروج از عدالتی است که در جهان امروز به شدت رواج یافته و حتی به نوعی پیشرفت و توسعه نیز تعبیر می شود. فشار روانی مضاعفی که از سوی ساخته های

در بوجود آمدن و معنا بخشیدن و یا به عبارتی در تفسیر شهر دخالت جدی دارند از آن جمله قوانین و مقررات، آداب و رسوم، و سنی که روابط اجتماعی و مشی اهل شهر را تنظیم و هدایت می نمایند. اساس و ریشه این امور به جهان بینی و فرهنگ جامعه تعبیر می شود. جهان بینی و فرهنگ جامعه بر شکل گیری و تکامل آداب و رسوم و تدوین قوانین و مقررات جاری و نیز شکل گیری کالبد شهر تأثیر داشته و این تأثیر از طرق مختلفی همچون هویت، معانی سمبلیک، شکل گیری فضاهای خاص شهری، و ویژگی های کالبدی-فضایی فضاهای خصوصی و جمعی به ظهور می رسد. متقابلاً کالبد و سیمای شهر، عمارت و فضاهای آن ها بر شکل گیری شخصیت افراد و رفتارهای فردی و جمعی آن ها تأثیر دارند. عدالت ایجاب می نماید که در متن جامعه آرمانی به موضوعات ذیل توجه شود اگر چه این امور به زمینه های گوناگون اجتماعی- فرهنگی رجعت داده می شوند اما تفسیر محیطی- فضایی آن ها تجلی عدالت در شهر هستند.



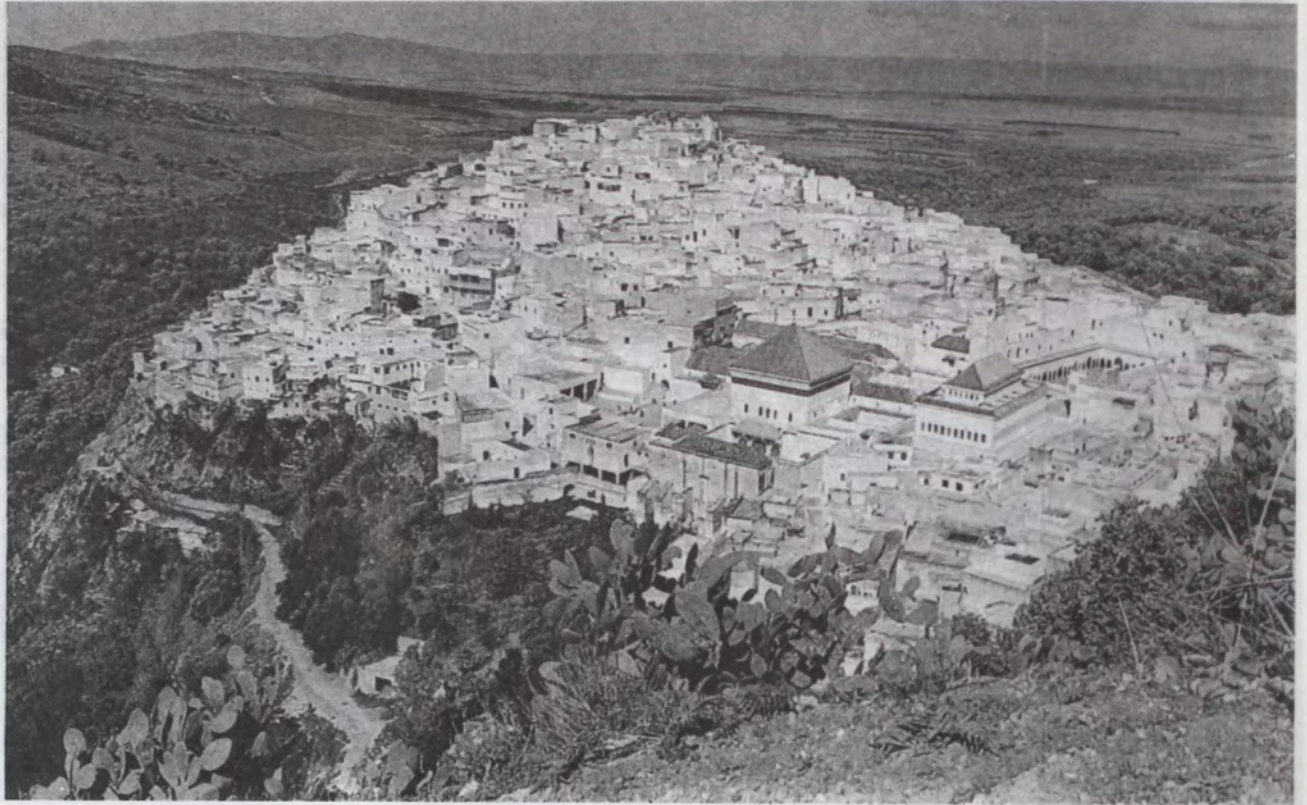
مورد توجه باشد و غالباً فراموش شده است. از آن جایی که در تفکر اسلامی اهداف و غایت حیات، موضوعی تعریف شده و مشخص هستند، عوامل مادی صرف، به ویژه آن گاه که خود به عنوان هدف و مقصدی اصلی مطرح می شوند، به مثابه عواملی جدی در غفلت انسان ایفای نقش می نمایند. به بیان دیگر، محیط شکل گرفته بر مبنای تعالیم اسلام، بر خلاف آن چه که شهرهای معاصر بیانگر آن هستند، مکان رهایی انسان از غفلت و فضای توجه او به آگاهی است.

از عوامل و زمینه های ناعادلانه دیگر که ممکن است در محیط های شهر ظهور نماید، زمینه های سوق دهنده انسان به سمت شرک، کفر و تباهی است. در بسیاری موارد همچون تبلیغات تهییج کننده امیال نفسانی و متمرکز بر جنبه مادی حیات، تسلط عناصر بر کاربری مادی شهر - و جسم و روان انسان ها - خود جنبه هایی از تباهی هستند که در شهرهای ظاهر آزیبای پرزرق و برق و زینت امروز به وضوح قابل مشاهده اند.

یکی دیگر از تبعات، خروج جامعه از تعادل و عدالت، هر گونه

انسان مثل عمارات، معابر، اشکال، رنگ ها، عملکردها بر انسان و به ویژه بر روان او وارد می شود، یکی از مشکلات شهرهای معاصر است. این فشارها که او را به سمت جنبه مادی حیات سوق می دهند گاهی تحقیر کننده انسان هستند. در بعضی موارد تهییج کننده و محرک مصنوعی نیازهای مادی وی هستند. گاهی او را می ترسانند و به وحشت دچار می نمایند. زمانی به عنوان جلوه ای از اقتدار دیگران ظهور نموده، و عامل رشد از خودبیگانگی در انسان می شوند.

شهر باید بتواند پاسخگویی به نیازهای مختلف انسان را از طریق فراهم آوردن اماکن و فضاهای مرتبط با هر کدام از نیازها، از طریق امکان دسترسی سهل به اماکن و فضاهای مرتبط و پاسخگو به این نیازها، از طریق ایجاد تعادل فضایی بین فرم ها و اشکال اماکن و فضاهای مختلف، از طریق مکانیابی متوازن و هماهنگ عملکردهای پاسخگو به نیازهای مختلف انسان، و نیز از طریق ارتقاء آگاهی و دانش جامعه نسبت به ابعاد وجودی خویش به طور متعادل عهده دار شود. مورد اخیر یکی از اموری است که باید در حیات اجتماعی

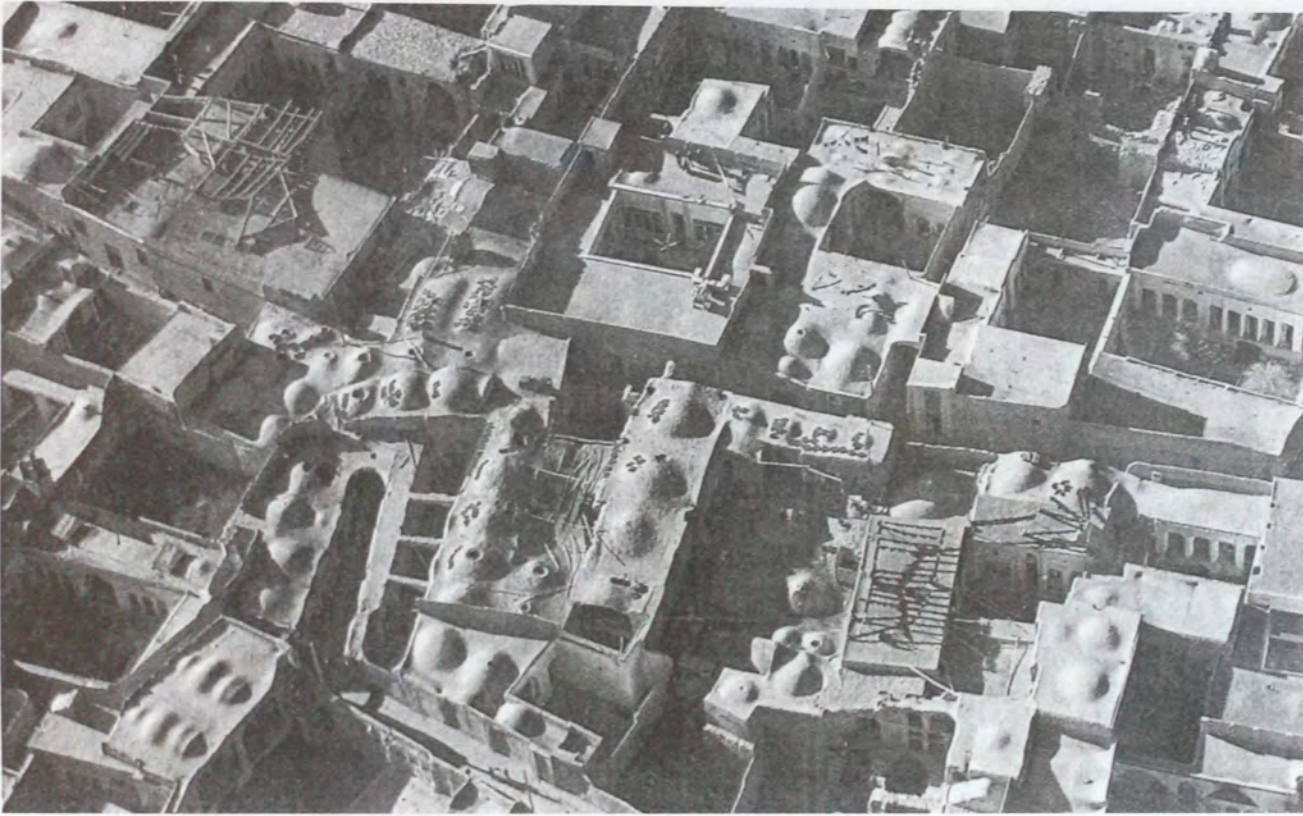


احساس و یا وجود ناامنی است. غالباً امنیت در مقابل پدیده‌ها و موضوعات فیزیکی همچون بلایای طبیعی، فعالیت‌های انسانی (از جمله انواع آلودگی‌ها)، تجاوزات و دست‌درازی‌های فردی، هجوم بیگانگان، سرما، گرما و حیوانات، زمینه‌هایی هستند که به حق به آن‌ها توجه شده و با شدت و ضعف متفاوتی که به شرایط هر جامعه‌ای بستگی دارد، سعی در تأمین آن است. لکن از مصادیق مهم امنیت، دو مورد را باید مورد توجه قرار داد: یکی امنیت روانی و ذهنی و دیگر امنیت معنوی. امنیت روانی و ذهنی آن است که انسان مطمئن باشد اولاً عدم امنیتی او را تهدید نمی‌کند و اگر هم عاملی بخواهد سبب ناامنی برای او شود جامعه به حفاظت او بر خواهد خواست. مورد دیگر امنیت معنوی است که فراهم بودن حفاظت انسان در مقابل هر آن‌چه که معنویت حیات، اخلاق و فرهنگ او را تهدید نماید، به شمار می‌رود. این گونه از امنیت انسان، در جوامع معاصر که انسان (بدون آن که خود بخواهد و قدرت انتخاب داشته باشد) تحت فشار و تأثیر انواع اطلاعات و تبلیغات به شدت مخدوش شده است از اهمیتی ویژه برخوردار است. این

گونه از ناامنی معنوی در بسیاری موارد بدون آن که انسان خود بخواهد، و حتی در برخی جوامع بدون آن که مدیران جامعه نیز مایل باشند، انسان را در بر گرفته است و او را به سمت گناه، تباهی و اضمحلال روحی و معنوی سوق می‌دهد. بنابراین عدالت ایجاب می‌کند که این وجه مغفول از امنیت نیز مورد توجه جدی قرار گیرد. به صورت خلاصه می‌توان گفت که شهر مورد نظر اسلام باید شهر هدایت انسان به سمت نیکی‌ها، عدالت و راستی باشد و بنابراین باید زمینه و فضای تذکر و هدایت را فراهم آورده، به عوامل تباهی انسان اجازه بروز و ظهور ندهد. در کنار انبوه عوامل تهییج‌کننده جنبه مادی حیات که زندگی بیگانه را تبلیغ و ترویج می‌نمایند عدالت همه‌جانبه‌عاری از تبعیضی که باید بر آن حاکم باشد می‌تواند هم هدایتگر به سمت نیکی‌ها و هم بازدارنده از زشتی‌ها باشد.

تعادل در احقاق حقوق شهروندان:

از ویژگی‌های عدالت، رعایت حقوق افراد جامعه نسبت به یکدیگر



زیست مناسب ضرورت دارد. تداخل پیاده و سواره باعث تضییع حقوق هر دو گروه پیاده ها و سواره ها می شود و تجلی نوعی بی عدالتی در شهرهاست. توجه متعادل و عادلانه به تردد سواره (ماشین) و پیاده (انسان) باید سرلوحه کار برنامه ریزان و طراحان شبکه ها و سیستم های حمل و نقل قرار گیرند. (به عکس امروز که اکثر برنامه ها بر اساس فراهم آوردن امکان حرکت سریع ماشین تهیه می شوند). عدم مواجهه با آلودگی های صوتی و زشتی های بصری نیز حقی است که هر شهروند می تواند توقع آن را از دیگران داشته باشد. امروزه بسیاری از فعالیت ها، مولد سر و صدای آزاردهنده هستند. زشتی هایی همچون فرم ها و اشکال نامناسب، آلودگی و کثیفی عمارات، مصالح نامتناسب و ناهماهنگ، اشیاء زاید، و بسیاری موضوعات دیگر عامل زشتی محیط هستند. در ارتباط با حقوق جمعی، یکی از وجوه عدالت در جامعه که به حاکمان، مردم، مدیران، برنامه ریزان و طراحان معطوف است موضوع فقدان تبعیضات و پیشگیری از ظهور قطب بندی های نامتعادل است. قطب بندی های شهری به ویژه از جنبه های

است. رعایت حقوق آحاد جامعه نسبت به یکدیگر در جملگی فعالیت هایشان جلوه ای از رعایت و رواج عدالت در جامعه است. در جهت اطمینان از مریی شدن حقوق و همچنین آشنا بودن مردم به وظایف، تکالیف و حقوق خویش، به ویژه در جوامع پیچیده امروزی، قانونمند بودن فعالیت های جامعه امری لازم الرعایه است. اما پیش زمینه این امر، آگاهی شهروندان نسبت به حقوق فردی خودشان است که بسیاری از معضلات جامعه از عدم آگاهی شهروندان، از حقوق فردی و اجتماعی خویش نشأت می گیرد. در واقع نامشخص بودن این امر سبب می گردد تا تراحمات بین شهروندان، ناخواسته به حد بالایی گسترش یابد. بدیهی ترین حق شهروندان استفاده از هوای سالم و نور کافی است و هرگونه اخلاقی که متضمن تضییع این حقوق از طریق ایجاد آلودگی و یا مانع در استفاده از این عناصر باشد، زمینه ای از خروج از تعادل و بی عدالتی خواهد بود. بنابراین توجه به همجواری کاربری ها و فعالیت های شهری متجانس، ملحوظ داشتن شرایط اقلیمی و محیطی در طراحی و برنامه ریزی و در نظر داشتن توانایی های محیط در تأمین شرایط

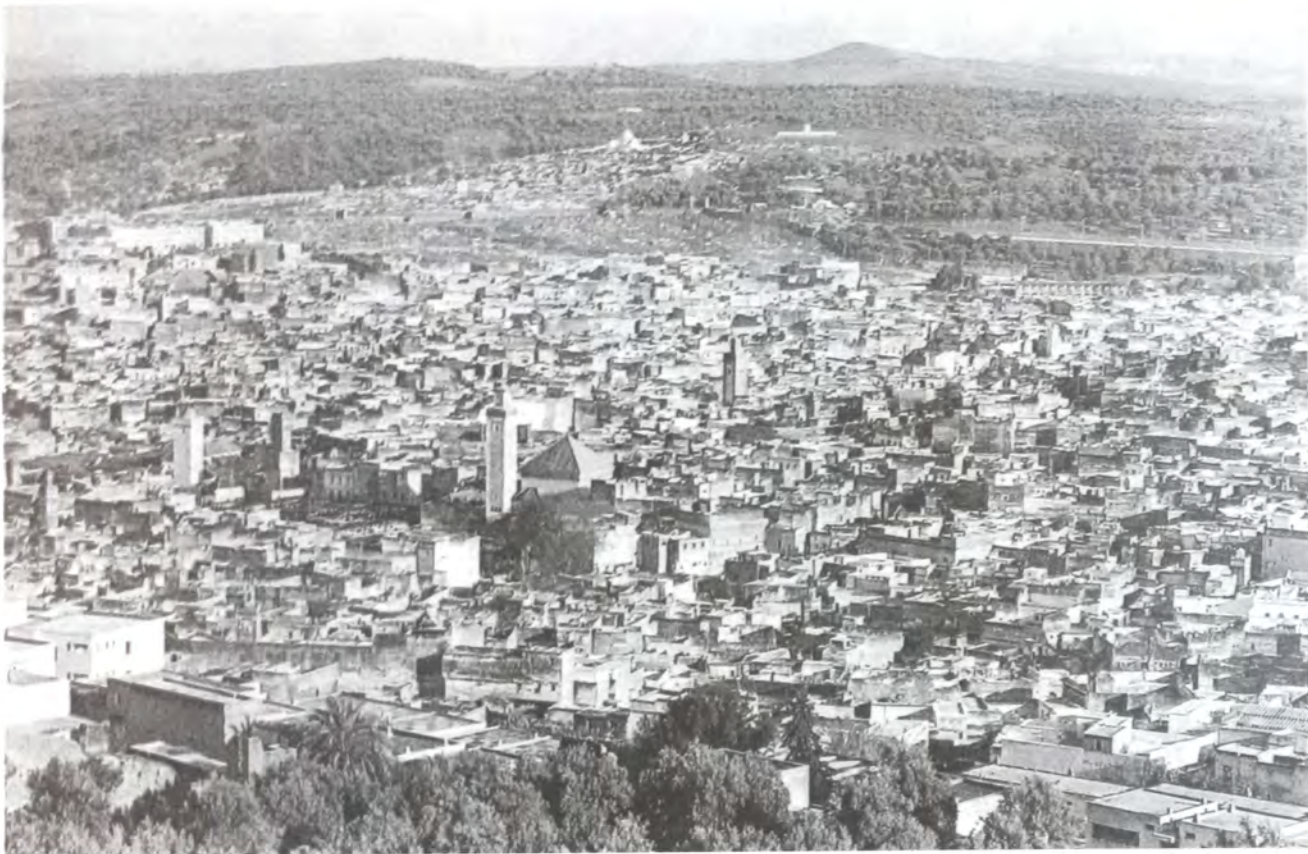


موضوعاتی که در مورد این گروه‌ها باید به آن‌ها توجه شود فراهم آوردن امکاناتی در زمینه تهیه مسکن، تأمین شرایط مناسب و ایمنی حرکت در معابر و فضاهای عمومی شهر، دسترسی عادلانه و آسان به مکان‌های پاسخگو به نیازهای فوری و دایمی آن‌ها و به نحو اجمال فراهم آوردن توأمان امکاناتی برای تأمین نیازهای روانی و مادی افراد است.

هماهنگی شهر با تعادل عالم وجود:

جملگی ذرات عالم هستی به پیروی از اصولی که منبعث از عدل الهی است به راهی که باید، می‌روند. طبیعت نیز یکی از اجزاء عالم است که قلمرو حیات انسان به شمار می‌رود. انسان در طبیعت تصرف نموده و با مواد و قوانین آن محیط مصنوع را بنا می‌کند. به این ترتیب، طبیعت و محیط مصنوع دو مقوله و قلمرو مهمی هستند که به عنوان جهان خارج از انسان، موجود ارتباطاتی با او است. در واقع انسان با ارتباطاتی که با این دو قلمرو برقرار می‌کند ضمن آن که از امکانات و فواید مادی و معنوی آن‌ها بهره‌مند می‌گردد،

اقتصادی و دسترسی به امکانات عمومی، یکی از وجوه بارز بی‌عدالتی است که در شهرها به ویژه در قرون اخیر به منصف ظهور رسیده‌اند. با گسترش شهرها و افزایش جمعیت، پدیده‌هایی همچون حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی توسعه می‌یابد. این گونه محلات ضمن آن که غالباً مشابهتی با مسکن مطلوب و در خور انسان ندارند، قادر به تأمین امکانات مورد نیاز مردم نیز نیستند. وجود تبعیض در جامعه یکی از مصادیق بارز بی‌عدالتی است. از این رو برای تجلی عدالت باید از بروز هرگونه تبعیض و نابرابری پیشگیری شود. در جهت پیشگیری از بروز تبعیض توجه به امور عدیده‌ای ضرورت دارد. از آن جمله امکان دسترسی متعادل آحاد جامعه به نیازهای مختلف خدماتی و زیرساختی و سایر امور مربوط به زندگی جمعی است. در عین حال توجه به اقشار خاص به منظور برگشت دادن جامعه به سمت تعادل و عدالت مطلوب ضروری است. این اقشار عمدتاً متشکل از افرادی هستند که در زمینه‌های خاص ضعیف‌تر و آسیب‌پذیرتر از دیگران بوده‌اند (از جمله: کودکان، سالمندان، معلولین، بیماران، فقرا و...). از مهمترین



ویژه مورد اخیر - موضوعی است که سبب برهم خوردن بسیاری تعادل های طبیعی شده و در نتیجه محیط را برای ادامه حیات مناسب انسان نامساعد نموده است. در جهت رفع این گونه بحران ها، شناسایی مختصات انسان، طبیعت و رابطه آن ها با یکدیگر و حقوقی که برای سایر انسان ها و حتی طبیعت در بهره گیری از آن باید رعایت شوند، ضرورت اولیه ای است که تعالیم اسلامی مشحون از آن است. (۳۶)

تعادل محیطی منحصر به تعادل بین محیط مصنوع و محیط طبیعی نمی گردد، بلکه این تعادل می باید در محیط مصنوع و اجزاء آن از نظر شکلی، عملکردی، حتی تداوم تاریخی و تکامل عناصر و کل شهر در پاسخگویی متعادل به نیازهای زمان انسان نیز متجلی گردد. این موضوع در احراز هویت جامعه از طریق تجلی ارزش های فرهنگی در کالبد شهر، در بیان نمادین تاریخ و وحدت ملی در اعلام استقلال خاص جامعه در مقابل آن چه که با اصول جهانی ارزش های فرهنگی جامعه در تضاد و تقابل است، نقشی

به خواسته ها و اعتقادات و باورهای خویش نیز تجلی کالبدی می بخشد و زمینه را برای تحصیل آرمان ها و اهداف حیات خویش تأمین می کند. حفظ تعادل های محیطی یکی از موضوعات اساسی مرتبط با حیات سالم انسان به شمار می رود که مشتمل بر وجوه مختلفی است. حفاظت محیط در مقابل آلاینده های ناشی از فعالیت های مختلف انسان یکی از امور مهمی است که غفلت از آن، زمینه ساز مشکلات عدیده ای برای تداوم حیات سالم به شمار می رود.

بحران های زیست محیطی یکی از مظاهر خروج از عدالت است که به ویژه در جهان معاصر خویش را نمایانده و محیط و طبیعت را برای ادامه حیات انسان نامساعد نموده است. این بحران ها معلول عواملی چند است از قبیل ترویج نگرش نادرست به طبیعت و در نتیجه اتخاذ روش های ناصحیح، اسرافگر و نامتعادل در بهره گیری از منابع طبیعی، و غفلت از قانونمندی های عادلانه حاکم بر عالم هستی و رابطه اجزاء و عناصر جهان با یکدیگر - به

۳۶- امین زاده، بهناز: حکمت تماس با طبیعت در شهرهای اسلامی، مجله صفا، شماره ۳۱، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، نقی زاده، محمد: فرهنگ اسلامی، طبیعت و توسعه های شهری معاصر، مجله پژوهش (نشریه پژوهشکده علوم انسانی - اجتماعی جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران)، شماره ۱ پاییز و زمستان ۱۳۷۸

- ۱- افلاطون: جمهوری، ترجمه رضا کاویانی و محمد حسن لطفی، ابن سینا، تهران، ۱۳۵۳
- ۲- امام علی (ع): نهج البلاغه (مجموعه خطبه ها، نامه ها و کلمات قصار)، ترجمه عبدالمحمد آتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۸ خطبه شماره ۲۰۷ صفحه ۴۹۵
- ۳- امام علی (ع): غررالحکم، به نقل از هدایه العلم و غررالحکم (ج ۱)، ترجمه و تألیف سید حسن شیخ الاسلام، انتشارات انصریان، قم، ۱۳۷۴، ص ۲۸۲
- ۴- امین زاده، بهناز: حکمت تماس با طبیعت در شهرهای اسلامی، مجله صفه، شماره ۳۱ پاییز و زمستان ۱۳۷۹
- ۵- جرالدفیتر: تاریخ فرهنگ چین، ترجمه اسماعیل دولتشاهی انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۶۷ ص ۶۱
- ۶- دارابی کشفی، سید جعفر: میزان الملوک و الطوائف و صراط المستقیم فی سلوک الخلائف، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، قم، ۱۳۷۵، ص ۴۲
- ۷- دهخدا، علی اکبر: لغتنامه دهخدا، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷
- ۸- شوای، فرانسواز: (ترجمه حبیبی، سید محسن)، شهرسازی، تخیلات و اقیانوس، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۳
- ۹- فاستر، مایکل ب: خداوندان اندیشه اسلامی، ترجمه جواد شیخ الاسلامی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳
- ۱۰- کابه، اتین: سفر به آرمانشهر (ایکاری)، ترجمه محمد قاضی، انتشارات تهران، تهران، ۱۳۷۲
- ۱۱- کنفوسیوس: مکالمات، ترجمه حسین کاظم زاده ایرانشهر، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۵۷، ص ۹۷
- ۱۲- لوکوربوزیه: منشور آتن، ترجمه محمد منصور فلامکی، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۵۵
- ۱۳- مطهری، شهید مرتضی: مدل الهی، صدراقم، ۱۳۵۷، ص ۳۵
- ۱۴- مور، تامس: آرمانشهر (یوتوپیا)، ترجمه داریوش آشوری و نادر افشاری، خوارزمی، تهران، ۱۳۷۳
- ۱۵- نقی زاده، محمد: فرهنگ اسلامی، طبیعت و توسعه های شهری معاصر، مجله پژوهش (نشریه پژوهشکده علوم انسانی - اجتماعی جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران)، شماره ۱ پاییز و زمستان ۱۳۷۸
- ۱۶- ورمازرن، مارتن: آیین میترآ، ترجمه بزرگ نادرزاده، نشر چشمه، تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۷

نتیجه گیری:

روری اجمالی بر تعالیم اسلامی بیانگر اهمیت عدل در شکل گیری جامعه اسلامی است. مطالعات مختلف نیز نشان از توجه به اصل عدل و مقابله با ظلم در جهان بینی های گوناگون دارد. مضافاً این تحقیقات و پژوهش های انجام شده در مورد انسان، فرهنگ و وره های وی، و ساخته هایش که محیط زندگی و شهر یکی از ارزش ترین و عظیم ترین وجوه آن است نشان می دهد که اولاً شهرها جلی گاه ارزش های منبعث از اعتقادات و جهان بینی و فرهنگ اهل پدید آورندگان خویش است، و ثانیاً محیط زندگی انسان تأثیر به سزایی در رفتارها و هدایت انسان به سمت ارزش های مستتر و خویشتن (و از جمله جنبه های مختلف عدل) دارند. به این ترتیب است که اهمیت عدل در شکل گیری محیط، شهر و جامعه مطلوب، مورد نظر خاص اسلام بوده است به بیان دیگر با غفلت از عدل، جوهره شعابت و شقوق مختلف آن، امکان ظهور جامعه صالح مورد نظر و محیط و فضای زیست مناسب آن جامعه صالح فراهم نخواهد بود.

این نکته بنیادین نیز روشن شد که با غور و مطالعه تعالیم اسلامی، امکان شناخت و تدوین معیارهایی برای جملگی فعالیت های جامعه اسلامی، از جمله معماری و شهرسازی، فراهم است که این معیارها هم می توانند میزان ارزیابی الگوها، تولیدات، تفکرات و اراده از جوامع غیراسلامی باشند: هم می توانند چگونگی استفاده از تجارب گذشتگان را روشن کنند، و هم این که ابزار محک و ارزیابی تولیدات جامعه اسلامی باشند. نکته ای که سالیان سال نزد مسلمین مغفول مانده و آنان را تابع، پیرو و مقلد غرب قرار داده به نحوی که حتی تعاریف بسیاری مفاهیم را از آنان اخذ نموده و براساس معیارهای بیگانه سعی در تشبیه به آنان به منظور پیشرفته و توسعه یافته تلقی شدن دارند. شهر شکل گرفته بر پایه عدل با ارج نهادن به انسانیت انسان و مریی داشتن تعادل در توجه به ابعاد مختلف حیات و نیازهای متناسب با هر بعد، از هر گونه تحمیل بر اهل خویش مبرا است. شهر متعادل از تهییج مشتتهای مادی اجتناب ورزیده و عاری از تمرکز بر مدگرایی و مصرف زدگی است. به عبارت دیگر نه تنها مصرف، مد و روش مادپرگانه زیست بر مردم تحمیل نمی شود، که کالبد، فضا، عناصر و سیمای شهر مدام انسان را به ارزش های وجودیش متذکر شده و در عین یادآوری غایت حیات وی، او را به راه های تحصیل آن ها نیز هدایت می نمایند.